



نشریه خبری

سازمان مجاهدین خلق ایران

شماره ۱

۲۰ آبان ماه ۱۳۵۳

* تهران - اعتصاب کارگران شرکت پرسی گاز: کارگران شرکت پرسی گاز به مدت چند روز در مهر ماه گذشته دست به اعتصاب زدند. در این اعتصاب کارگران دلیر دفتر شرکت را آتش زده و شعارهای انقلابی بر در و دیوار کارخانه نوشتند.

* تهران - اعتصاب کارگران چایخانه تابان: در اول مهرماه گذشته کارگران چایخانه تابان در تهران به خاطر کمی دستمزد دست به اعتصاب زدند. به دنبال این اعتصاب هم اکنون چایخانه به صورت نیمه تعطیل درآمده است.

* تهران - روز ۲۱ مهرماه زد و خورد سختی بین کارگران ساختمانی که در جاده شمیران اول خیابان ۴۵ متری جمع بودند اتفاق افتاد. زد و خورد از اینجا شروع شد که ماشینی در ساعت ۴/۵ بعدازظهر مقداری غذا آورد تا در بین کارگران تقسیم نماید. چون مقدار غذا نسبت به کارگران خیلی کمتر بود به دنبال کوشش هر یک برای دست یافتن به غذا، کار به زد و خورد کشید. کارگران با استفاده از سنگ و چوب به زد و خورد پرداختند. پلیس در جریان مداخله کرده و عده‌ای از کارگران را روانه کلانتری کرد و بقیه کارگران فرار کردند. تعداد کارگرانی که در این حادثه شرکت داشتند ۱۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. اغلب کارگران شرکت کننده در این ماجرا اهل لرستان بودند. گفته می‌شود که در این زد و خورد دو نفر از کارگران کشته و تعداد قابل توجهی زخمی شده‌اند.

گزارشی در مورد گروه دکتر اعظمی:

اواخر مرداد ماه سال جاری یک گروه از رزمندگان لرستان به رهبری مبارز دلیر دکتر اعظمی خرم آبادی روانه کوهستان شد.

این گروه از مدت‌ها قبل تشکیل شده و دارای یک خانه جمعی بودند. چندی پیش یکی از اعضای گروه لو رفته و دستگیر می‌شود. شخص دستگیر شده در زیر شکنجه، خانه جمعی گروه را که افرادی در آن تجمع داشته اند فاش می‌کند. اعضای گروه از این امر مطلع شده و قبل از اینکه مأمورین رژیم به خانه جمعی یورش ببرند، آنجا را ترک می‌کنند. تعداد افراد گروه به ده‌ها نفر بالغ می‌گردد.

پیشگامان مسلح خلق خرم‌آباد و بروجرد در راه خود به چند پاسگاه حمله برده و آنها را خلع سلاح نموده‌اند و با جا گذاشتن دو شهید و پنج اسیر روانه کوهستان شده‌اند. به دنبال این جریان مأمورین رژیم پیگرد و دستگیری وسیعی را در منطقه آغاز می‌کنند و هر کس را که با افراد این گروه آشنائی و یا رابطه‌ای داشته، دستگیر کرده و زیر شکنجه می‌کشند. مأمورین در جستجوی خود به سراغ ایلی رفتند که پدر دکتر اعظمی در زمره آنهاست. آنها پدر دکتر اعظمی را دستگیر کرده و می‌خواستند دستبند بزنند که با مخالفت یکی از خان‌های ایل مواجه شدند. این خان اسلحه‌اش را کشیده و می‌گوید که اگر دستبند بزنید بدنهایتان را سوراخ سوراخ می‌کنم لذا مأمورین پدر دکتر اعظمی را بدون دست بند و محترمانه از آن محل با خود می‌برند. او را به زیر شکنجه برده و از او مخفی گاه پسرش را می‌خواهند. پس از اینکه از طریق وی نمی‌توانند به نتیجه‌ای برسند از او می‌خواهند که به میان ایل رفته و از اهالی بخواهد که به هر ترتیبی که می‌توانند پسرش را دستگیر کرده و به مأمورین رژیم تحویل دهند. پدر دکتر اعظمی پس از مقداری مقاومت قبول می‌کند که این کار را انجام دهد. او به اتفاق مأمورین به میان مردم رفته و طی یک سخنرانی از مردم می‌خواهد پسرش را دستگیر کند و به مأمورین تحویل دهند ولی در آخر سخنانش خطاب به مأمورین رژیم چنین می‌گوید: «تنها ما نیستیم که از شما ناراحتیم، بلکه تمام این‌ها یعنی قشقایی‌ها، بختیاری‌ها و غیره همگی از وضع موجود ناراحتند و همه علیه شما می‌جنگند». در هر حال وی را آزاد می‌کنند مأمورین برای کمک به نیروهای پیگرد دولتی عده‌ای از مردم را مجبور می‌کنند تا به کوه رفته و محل رزمندگان پیشگام خلق خرم‌آباد و بروجرد را پیدا کنند. افرادی که انتخاب می‌شدند می‌گفتند «ما می‌رویم اما اگر آنها را پیدا کردیم خودمان هم به آنها می‌پیوندم. در این موقع با تهدیدهای سرهنگ فرمانده ژاندارمری که به میان مردم ایل رفته بود روبرو می‌شوند. این سرهنگ ژاندارمری فریاد می‌زند که اگر با آنها همکاری کنید ما بی‌ناموستان می‌کنیم «و توهین‌های دیگر. در این هنگام چند نفر از رؤسای ایل که شدیداً ناراحت شده بودند بلند شده و خطاب

به مأمورین و سرهنگ مزبور می‌گویند «کاری نکنید که به سیم آخر بزنیم اگر زیاد به ما فشار بیاورید و ناراحتان کنید تفنگ به دست می‌گیریم و پدرتان را درمی‌آوریم».

اخبار رسیده حاکیست که برخورد قاطعانه و شجاعانه مردم خرم‌آباد و بروجرد و پشتیبانی آنها از دکتر اعظمی و سایر رزمندگان این گروه بسیار جالب توجه و حائز اهمیت است.

بارزترین چهره گروه انقلابی دلیر دکتر هوشنگ اعظمی می‌باشد. نامبرده از پنج سال پیش در خرم‌آباد و توابع آن به عملیات مشغول بوده است. دکتر اعظمی در گذشته به دلیل داشتن سوابق مبارزاتی و زمینه‌های مناسبی که در زندگی‌اش موجود بوده عمیقاً ستم رژیم را احساس نموده بود. وی در دوران مبارزات دانشجویی خود به دلیل شرکت فعال در این مبارزات دو بار به زندان افتاد. دکتر اعظمی نوه شهید معروف لرستانی، شیرعلی مردان خان است که به دست مزدوران رژیم به شهادت رسیده است. در مورد زندگی شیرعلی توده‌های لر داستان‌ها گفته و شعرها سروده‌اند. دکتر اعظمی پس از پایان تحصیلاتش به منطقه زندگی خویش بازگشته و به طبابت مشغول شد. زندگی ساده او که ناشی از احساس همدردی و همیستگی او نسبت به خلق بوده و همچنین نوع دوستی و فداکاری او برای مداوای مردم، مردم آن منطقه را شدیداً به او علاقمند ساخت. دکتر اعظمی برای مداوای مردم از کسی پول دریافت نمی‌کرد و در صورت امکان داروی مجانی نیز به مراجعین می‌داد. در نتیجه مردم فداکاری و صفای او را احساس و درک نموده و او را بسیار دوست دارند. محبت او در دل مردم ناشی از عشق عمیقی است که دکتر اعظمی نسبت به خلق خود در سینه داشته و دارد و خلق نیز متقابلاً آن را بخوبی احساس می‌کند و محبوبیت دکتر اعظمی در بین مردم منطقه روزافزون است.

پس از اینکه انقلابی دلیر دکتر اعظمی به همراه یارانش از جمله محمود خرم‌آبادی برادر رفقای شهید احمد و مجتبی خرم‌آبادی روانه کوه شد، رژیم نیروی عظیمی را برای دستگیری آنها به آن منطقه گسیل داشت. و این خود نشان دهنده وحشت رژیم از نیروهای رزمنده خلق می‌باشد. شهربانی خرم‌آباد به قوی ۴۰۰ نفر از اهالی منطقه را دستگیر و مورد شکنجه و بازجویی قرار داده است. در این شهر و اطراف آن عملاً حکومت نظامی برقرار شده و حتی اقداماتی نیز در مورد خانه‌گردی به عمل آمده است. برای پیگرد و دستگیری عناصر رزمنده‌ای که به کوه رفته‌اند، رژیم علاوه بر بکارگرفتن نیروهای ژاندارمری و ارتش از مزدوران محلی نیز استفاده می‌کند (مزدوران محلی عناصری هستند که رژیم از مردم بومی به زور و نیرنگ اجیر کرده و با حقوق ۳۰۰ تومان در ماه و دادن اسلحه به آنان از آنها در درگیری‌های منطقه‌ای استفاده می‌کند. چنین نیروهایی در نقاط مختلف ایران از جمله کردستان، لرستان، بلوچستان و مناطق عشایری تشکیل شده است. در منطقه عشایری سمنان نیز رژیم می‌خواست همین کار را بکند اما با مخالفت اهالی روبرو شد و عملاً از آن منصرف گردید.) اکنون در منطقه خرم‌آباد و بروجرد، مأمورین شهربانی و ژاندارمری رفت و آمد دهقانان را به خارج از شهر حتی رفتن آنها را در مزارع خود کنترل کرده و همه را بازرسی بدنی می‌نمایند. هدف مزدوران رژیم این است که کسی نتواند به چریک‌های کوه کمک کند. مثلاً به روستائیان دستور داده‌اند هر نفر حق ندارد نان زیاد همراه خود ببرد.

از جمله کسانی که در خرم‌آباد دستگیر شده‌اند عبارتند از: مبارزین دکتر عالیخانی (با دکتر عالیخانی که قبلاً وزیر بود اشتباه نشود)، دکتر هوشنگی و رئیس بانک خرم‌آباد و یک پزشک دیگر. همچنین همسر دکتر اعظمی که در مشهد تحصیل می‌کرد دستگیر شده است.

عکس‌العمل مردم منطقه خرم‌آباد و بروجرد در برابر این حرکت انقلابی بسیار جالب توجه و قابل ستایش است. خلق این منطقه دارای سابقه مبارزاتی طولانی می‌باشد. ظهور گروه آرمان خلق و شهادت رفقای قهرمان کنیرانی «ترگل»، مدنی، کریمی و طاهرزاده از گروه آرمان خلق اثرات بسیار مثبتی در روحیه مردم و گرایش آنها به مبارزه مسلحانه داشته است. لذا با توجه به محبوبیت خاص دکتر اعظمی، عکس‌العمل‌های حمایت‌آمیز فراوانی از خود بروز داده‌اند که نمونه‌هایی از آن بدین شرح است:

۱- هنگام دستگیری دکتر عالیخانی در بهداری مریض‌ها با مأمورین رژیم گلاویز شده و زد و خوردی در می‌گیرد که با دخالت و تهدید پلیس متفرق می‌شوند.

۲- اهالی بروجرد پس از حوادث اخیر برای نشان دادن خشم و کینه‌ای که نسبت به رژیم و شاه مزدور دارند، الاغی را با رنگ سرخ کرده و عکس‌های شاه را به آن چسبانده و در خیابان‌ها می‌کنند. عده‌ای از مردم گرد آن جمع شده بودند و پس از مدتی پلیس سراسیمه سررسیده و الاغ را از محوطه خارج می‌کند.

۳- این روزها مردم وقتی که به هم می‌رسند یکدیگر را به دعا برای رزمندگان گروه دکتر اعظمی در کوه سفارش می‌کنند.

۴- مردم منطقه که به عنوان اعتراض به گرانی قیمت‌ها به اطاق اصناف رفته بودند. کارمندان اطاق اصناف را مفصلاً کتک می‌زنند. سپس پلیس دخالت کرده و مردم را از اطاق اصناف خارج می‌کند.

۵- عده‌ای از عشایر و مردم خرم‌آباد و بروجرد شکایت‌های پی‌در پی به شهربانی برده‌اند مبنی بر اینکه بایستی دولت عوارض خویش را از گردن آنها بردارد.

درود به تمام کسانی که فعالانه برای رهائی خلق، راه مبارزه مسلحانه توده‌ای را انتخاب کرده‌اند.

هرچه گسترده‌تر باد جنبش انقلابی رزمندگان پیشگام خلق خرم‌آباد و بروجرد.

پیروز باد مبارزه مسلحانه توده‌ای تنها راه رهائی خلق ستمدیده ایران.

* نهایند - به دنبال اعدام ۶ تن از رزمندگان دلیر گروه انقلابی ابوزر از طرف این گروه اعلامیه‌ای در یکی از مساجد نهاوند پخش گردید که متعاقب آن حدود ۲۰۰ نفر از مردم نهاوند دستگیر شدند. پیگردها و دستگیری هائی که توسط ساواک در چند ماهه اخیر به دنبال فعالیت‌ها و اقدامات انقلابی رزمندگان این گروه در نهاوند صورت گرفته است، در آگاهی مردم این شهر و جلب توجه و حمایت آنها نسبت به جنبش مسلحانه خلق سهم به سزائی داشته است، این فشارها باعث شده است که مردم نسبت به انقلابیون سمپاتی بیشتری نشان بدهند.

علیرغم یورش‌ها و پیگردهای وحشیانه ساواک بر علیه گروه انقلابی ابوزر و اعدام شش تن از رزمندگان این گروه که بدون پخش هیچ گونه خبر قبلی صورت گرفت، از جمله اعدام برادر شهید عباد خدارحمی، این گروه همچنان به تلاش‌های انقلابی خویش ادامه می‌دهد. در تیرماه گذشته رزمندگان گروه انقلابی ابوزر با حمله به خانه تیمسار خواجه نوری دادستان دادرسی ارتش، دست به يك حمله انقلابی قهرمانانه زدند که متأسفانه به علت درگیری با نگهبانان خانه او عمل با موفقیت به انجام نرسید. متعاقب این عمل اعلامیه‌ای از طرف گروه انقلابی ابوزر در دانشکده صنعتی آریامهر چگونگی و اهداف عمل مزبور پخش گردید. از جانب رزمندگان گروه انقلابی ابوزر تا کنون اعلامیه‌ها و بیانیه‌های چندی منتشر شده است که در آن هدف‌های گروه توضیح داده شده است. بیانیه شماره ۱ گروه انقلابی ابوزر که همراه با آرم گروه پخش گردیده با آیه اذاقیل لهم لاتفسدوا و فی الارض قالوا انما نحن مصلحون (زمانی که توده‌ها با فریاد قهرآمیز ستمگران را مخاطب قرار می‌دهند، جواب می‌شنوند که ما خواهان اصلاح امور هستیم) شروع می‌شود، قسمت‌هایی از این بیانیه بدین شرح است:

خواهر و برادر گرامی

خلق مبارز ما با تجربه‌های غنی از مبارزات خود در مشروطه و مرداد ۱۳۳۲ و خردادماه ۱۳۴۲ دریافته است که تنها راه رستگاری و نجات در زیر پرچم اتحاد مبارزه قهرآمیز با دشمنان خدا و خلق است. دشمن مردم را نمی‌شود از راه مسالمت‌آمیز سرنگون ساخت و یا با مبارزات رفرمیستی و حزبی سیاسی منهدم نمود. ما با توجه به سابقه ننگین این رژیم و اختناق آفرینان ساواکی و جاسوسان سیا به رهبری ریچارد هلمز و مزدوران اسرائیلی که می‌خواهند با قهر ارتجاعی، خلق‌ها را از خروش و فریاد باز دارند. تنها راه حل خود را با تکیه بر اسلام رهائی بخش و مبارزه و جهاد آزادی بخش آن می‌دانیم و همدوش برادران مجاهد خود که با دادن ده‌ها شهید لاله‌های مبارزه مسلحانه را گلگون ساختند به مبارزه قهرآمیز خود ادامه خواهیم داد تا با هرچه متشکل کردن توده‌های مسلمان ایران و منطقه بر علیه دشمنان خلق که راه تکامل را بروی انسان‌ها بسته‌اند. دین خود را نسبت به راه خدا و تکامل انجام داده باشیم. دشمنان خدا و خلق با درخدمت گرفتن مزدوران چاپلوس و ساکت و رضا بده به وضع موجود و زور و قهر ارتجاع تمام امیدهای مسالمت‌آمیز را از ما گرفته‌اند لذا ما با در نظر گرفتن اصول راه خدا برای درهم کوبیدن این تزویرکاران از همه طریق ممکن استفاده خواهیم کرد، بخصوص روحانی‌نمایی که هم در خرداد ۴۲ به خدا پشت کردند و هم به سکوت مرگبار کنونی خود در مقابل شکنجه‌ها و اعدام‌های سربازان اسلام و مجاهدان پرخروش ادامه می‌دهند، هدف‌های اصلی خواهند بود تا لااقل اسلام راستین از توجیه وضع حاکم دیکتاتوری و اختناق آریامهری مصون بماند لذا ما برای احقاق حق خلق خود برای باز نمودن راه خدا تمام چاپلوسان روحانی درباری را برای آخرین بار از تجاوزی که به اسلام و خلق می‌کنند آگاه می‌سازیم تا در عاقبت خود مسئول کار انجام گرفته شوند.

در زیر اعلامیه نوشته شده است:

«هرچه پرطنین تر باد شهدای خلق و یاد ۶ نفر از مبارزان نوجوان گروه ابوزر دماوند و دو شهید وفادار «گل‌سرخ و دانشیان»

برای خودآگاهی بیشتر می‌توانید از رادیوی میهن‌پرستان از ساعت ۲ الی ۳ بعدازظهر و عین همان برنامه را از ساعت ۶/۴۵ الی ۷/۴۵ عصر روی ۴۱ متر و همچنین از رادیو سروش از ساعت ۶ الی ۷ صبح و عین همان برنامه را از ساعت ۱۱ الی ۱۲ شب در روی ۴۲ متر گوش کنید.

«پیروز باشید»

* تهران - دانشکده علم و صنعت - در اول سال تحصیلی جاری اعلامیه‌ای دست نویس در دانشکده علم و صنعت تهران پخش گردید. در این اعلامیه‌ها ضمن اشاره به برخی مسائل صنفی دانشجویی به افشاگری اقدامات ضد مردمی رژیم شاه و همچنین اعتراض به دستگیری عده‌ای از دانشجویان مبارز پرداخته شده است. قسمتی از متن یکی از این اعلامیه‌ها بدین شرح است:

«جلاد خونخوار می‌خواهد جهت سرپوش گذاشتن بر اعمال ضدانسانی خود، مسأله آموزش رایگان را که به ظاهر دهن پرکن و در باطن کمافی‌السابق به منظور استثمار کردن هر چه بیشتر خلق‌های ایران می‌باشد، به مرحله اجرا درآورد و قشر تحصیل کرده را برده و مطیع خود نماید. و در ضمن برای تفرقه‌انداختن و از بین بردن اتحاد دانشجویی و به دستگیری رئیس دانشکده تعداد ۲۵۳ نفر ساواکی را به نام دانشجو وارد دانشگاه می‌کنند. ما دانشجویان به منظور اعتراض و جلوگیری از وقوع این فاجعه خواستار آزادی برادران مبارز خود از سیاه چال‌های شاه شده و در تاریخ سه‌شنبه ۵۳/۷/۹ و چهارشنبه ۵۳/۷/۱۰ از رفتن به کلاس‌های درس و کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها خودداری می‌کنیم.

«دانشجویان دانشکده علم و صنعت»